

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

دوره ۳، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۵۰-۲۹

معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار*

مریم ارمغان**

حسین سلطانزاده***

هما ایرانی بهبهانی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۲

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش فرهنگ زندگی در شکل‌گیری معماری خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار می‌پردازد. هم‌زمان با شناخت شیوه زندگی، ساختار خانواده و شرایط فرهنگی - اجتماعی زندگی ایرانیان آن دوره به دنبال دست‌یابی به پاسخ‌هایی درباره‌ی چگونگی روند خلق و تغییر فضاها است. ساختار خانواده و خانه‌های اعیانی دوران قاجار به تدریج بعد از اولین سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ (۱۲۹۰ ه.ق.) دچار تغییراتی شدند؛ این پژوهش خانه‌های اعیانی را فارغ از این تغییرات بررسی می‌کند تا نقش ساختار خانواده و فرهنگ وابسته به آن را در شکل دادن به خانه، روشن سازد. بر اساس طرح تحقیق تاریخی و روش‌های توصیفی و تحلیلی، داده‌های مربوط به فرهنگ و شیوه زندگی در خانه‌های اعیانی قاجار، بیش‌تر از منابع دست اول و گاه دست دوم جمع‌آوری شده است تا عوامل موثر در تعیین کالبد خانه شناخته شوند. منابع دست اول شامل نامه‌ها و شرح‌حال‌ها و عکس‌های مربوط به آن دوره هست. نتایج تحقیق نشان‌دهنده چگونگی شکل‌گیری و تغییر کالبد انعطاف‌پذیر خانه، بر اساس ساختار خانواده است که خود تحت تاثیر اعتقادات مذهبی و نظام اجتماعی ساختار خانه را مبتنی بر جدایی فضاهای زنانه و مردانه شکل می‌داده است. هر گونه تغییر در تعداد یا نیازهای اعضای خانواده بازتعریف کالبد خانه را به دنبال داشته است.

کلید واژگان: تهران، ساختار خانواده، ساختار خانه، شیوه زندگی، قاجار.

* این مقاله برگرفته از رساله دکترای مریم ارمغان است.

maryam.armaghan@gmail.com

** دانشجوی دکترای معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir

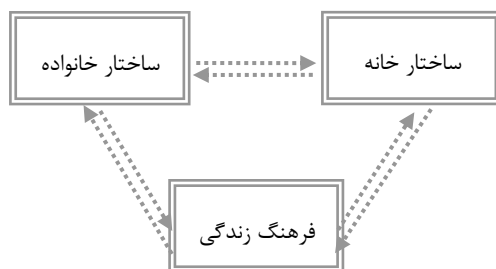
*** دانشیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

homa.irani_behbahan@iauctb.ac.i

**** دانشیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

نمودار ۱: رابطه سه‌گانه بررسی‌شده در پژوهش حاضر



منبع: نگارندگان

فرهنگ و شیوه زندگی همواره در رابطه‌ای تنگاتنگ با فضای معماری بوده است تا جایی که معماری به عنوان ابزار سنجش فرهنگ مردمان یک جامعه معرفی می‌کند. کالبد خانه و ساختار خانواده، به واسطه رویدادها و رفتارها (فرهنگ زندگی)، در تعامل با یکدیگر هستند. به این ترتیب تغییر در هر یک بر روی دو عنصر دیگر تاثیر خواهد گذاشت

(نمودار ۱). دوره قاجار به اذعان بسیاری محققان و شواهد، اوج ساختن خانه‌های اعیانی و کاخ‌ها است؛ اما اغلب گزارش‌ها از معماری آن دوره به ویژگی‌های کالبدی و عناصر مجزاشده معماری یا کیفیت زیبایی‌شناسی کلان اختصاص یافته (میرمیران: ۱۳۷۹؛ آیت‌اللهی: ۱۳۸۰؛ درودگر: ۱۳۸۲؛ قبادیان: ۱۳۸۰؛ گودرزی: ۱۳۸۸) و عامل اساسی شکل‌دهنده کالبد خانه یعنی ساختار و شیوه زندگی خانواده مورد بررسی قرار نگرفته است. بخشی از کتاب *خانه، فرهنگ، طبیعت* به دنبال شناسایی معیارهای مؤثر در سازمان‌یابی فضای خانه‌های قاجار، با تأکید بر کالبد فضاها است (حائری‌مازندرانی، ۱۳۸۸) ولی ساختار خانواده را به صورت عمیق مورد ملاحظه قرار نداده است.

در زمینه خلأ تحقیقاتی موجود، بررسی سه موضوع ضروری می‌نماید:

- ۱) بررسی ساختار خانواده
- ۲) بررسی عناصر شکل‌دهنده کالبد خانه و رویدادهای رخ داده در آنها برای تبیین رابطه بین فرهنگ زندگی و کالبد معماری
- ۳) بررسی رابطه ساختار خانواده و ساختار خانه

چارچوب نظری

ساختار خانه و فرهنگ زندگی خانگی موضوعی است که در نوشته‌های راپوپورت^۱ (۱۳۸۸)، سخن از آن به میان آمده است. از نظر او، عوامل متعددی به خانه شکل می‌دهند که از آن میان می‌توان به اعتقادات مذهبی، ساختار خانواده، نظام اجتماعی، شیوه معیشت و روابط اجتماعی میان افراد اشاره کرد. می‌بایست در نظر داشت که بحث راپوپورت خانه‌های بومی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد و راجع به شیوه‌های سنتی همراه با الگو صحبت می‌کند و خانه‌های اعیانی که

¹ Rapoport

متعلق به روشنفکران، ثروتمندان یا گروه‌های خاص جامعه در بحث او قرار نمی‌گیرد. همچنین او استدلال می‌کند که آنچه برای شکل ساخته شده اهمیت دارد، نوع پاسخی است که از نظر فرهنگی به نیازها داده می‌شود (راپوپورت، ۱۳۸۸: ۱۰۱ - ۱۰۰). بر اساس چنین نگرشی، مطالعات کریستیان برومبزه (۱۳۷۰) بر روی مسکن جامعه روستایی گیلان قابل ملاحظه است. در پژوهش برومبزه بررسی ساختار و شکل خانه، بر اساس ارتباط آن با شیوه زندگی و نقش و روابط افراد در خانواده تبیین شده است.

ادوارد هال^۱ از اصطلاح هم‌جواری‌ها^۲ برای تعریف و تبیین مشاهدات و نظریه‌های استفاده انسان از فضا استفاده کرده است که به عنوان جلوه‌ای از خرده فرهنگ دارای سه جنبه اصلی است: سیمای ثابت^۳، سیمای نیمه ثابت و بی‌شکل^۴ (هال، ۱۳۸۴: ۱۲۹ - ۱۲۳). ساختمان‌ها، سیمایی از الگوهای ثابت هستند که از داخل بر اساس طرح‌های فرهنگی معینی تقسیم‌بندی می‌شوند.

در پژوهش حاضر رفتارها و موقعیت فضاها مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند تا از طریق شناسایی طرح‌های فرهنگی به شناسایی الگوهای ثابت طراحی خانه دست یافت.

پرسش‌های پژوهش

برای مطالعه کیفی حوزه‌ها مرتبط با علوم اجتماعی و انسانی، سوال‌های پژوهشی باز طراحی می‌شوند تا ضمن جستجو درباره موضوع مورد پژوهش، از به کار گرفتن نقش پژوهشگری که خود را کارشناس می‌پندارد و سعی در مطرح کردن بهترین پرسش‌ها را دارد، پرهیز شود. پرسش‌های اصلی به شکل زیر می‌تواند مطرح شوند:

(۱) تاثیر ساختار خانواده و فرهنگ زندگی بر ساختار معماری خانه‌های اعیانی قاجار چه بوده است؟

(۲) تاثیر تغییر ساختار خانواده بر کالبد خانه چه بوده است؟

روش پژوهش

شیوه تحقیق تفسیری - تاریخی کمک می‌کند تا بتوان تعبیر صحیحی برای هر مسئله در ارتباط با اثر شناخته شده ارائه داد و واقعیت‌های مربوط به زندگی را از آنها استنتاج نمود؛ بنابراین جستجوی پدیده فرهنگی - اجتماعی و کالبدی خانه در زمینه پیچیده زمانی و مکانی‌اش، با جهت‌گیری تبیینی روایتی و کل نگر همراه است و در سه مرحله صورت گرفته است؛ ابتدا

^۱ Hall, Edward Twitchall

^۲ Proxemics

^۳ fixed-feature space

^۴ informal space

گردآوری منابع که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرند، سپس جستجو و سازماندهی داده‌ها و در مرحله آخر، ارزیابی، توصیف و تحلیل داده‌ها.

پژوهش حاضر، خانه‌های اعیان و تجار را مورد توجه قرار می‌دهد. ساختار خانه، خانواده و فرهنگ زندگی اشرافی، بعد از نخستین سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ دچار تغییراتی شد؛ اما این پژوهش آثار تنها در پی آشکار ساختن نقش ساختار خانواده و فرهنگ زندگی در شکل دادن به ساختار خانه است.

مطالعه ساختار خانه و دگرگونی‌های آن، بدون مطالعه ساختار خانواده و شیوه و فرهنگ زندگی در آن، امری غیرممکن است؛ به این ترتیب مطالعه شرح‌حال‌ها و مصاحبه‌ها ضروری است، چرا که زندگی خصوصی در دوره‌ی قاجار، موضوعی نیست که اطلاعات اولیه زیادی از آن در دسترس باشد. از جمله منابع دست اول می‌توان به: روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (۱۳۷۴)، خاطرات تاج‌السلطنه (۱۳۷۱) و شرح زندگانی عبدالله مستوفی (۱۳۸۶ و ۱۳۷۱) اشاره کرد. مصاحبه‌ها و مستندات موجود در سایت اینترنتی *دنیای زنان در عصر قاجار* (دانشگاه هاروارد) به غنی کردن یافته‌ها بسیار کمک کرد. در این زمینه منابع معتبر دست دوم بسیاری نیز وجود دارند، از جمله نوشته‌های منصوره اتحادیه (۱۳۶۲ و ۱۳۸۸) و جعفر شهری (۱۳۷۸ و ۱۳۸۳) قابل ذکر هستند که شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن دوره را مورد بررسی قرار داده‌اند. به این ترتیب، از طریق متون یادشده، ساختار خانواده و خانه و فرهنگ زندگی در خانه‌های اعیانی قاجار مورد ملاحظه قرار گرفته است.

در این مقاله، ابتدا ساختار خانواده و نقش اعضا ملاحظه می‌شود. سپس، بخش‌های مختلف خانه، رویدادها و کارکرد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت ارتباط ساختار خانه با فرهنگ زندگی و ساختار خانواده از طریق مطالعه و بررسی چند خانه تبیین می‌شود.

یافته‌های پژوهش

مطالعات و گردآوری داده‌ها از منابع پیش‌تر یادشده، پیرامون سه محور صورت گرفته است: (۱) ساختار خانواده، (۲) ساختار خانه و فرهنگ زندگی خانگی و (۳) تبیین ساختار خانه بر اساس ساختار خانواده.

ساختار خانواده

اعضای خانواده اعیانی دوران قاجار مدام در حال تغییر بودند؛ این تغییر به دلیل ازدواج‌های متعدد مرد یا فرزندان خانه بود. متعاقباً تعداد خدمه که در خدمت اعضای خانواده بودند نیز متغیر بود. تعداد اعضا و خدمه خانه اعیانی می‌توانست بسیار زیاد باشد؛ همان‌گونه که صورت اجزاء و مستخدمین داخلی محوطه خانه و باغ شاهزاده فرمانفرما که شبانه‌روز در آنجا ساکن

بودند منزل داشته‌اند، ۲۱۵ نفر برآورد گشته بود (اتحادیه و سعدوندیان، ۱۳۶۲: ۱۵۵ - ۱۵۴). البته اجزاء و مستخدمین دیگری نیز به خانه فرمانفرما رفت‌وآمد داشته‌اند که در خارج از محوطه خانه و باغ مسکونی شاهزاده فرمانفرما ساکن بودند (همان: ۱۵۹ - ۱۵۶). به منظور تبیین ساختار خانواده می‌بایست نقش‌های متعدد یا همان عناصر شکل‌دهنده خانواده و چگونگی روابط بین آنها را بررسی کرد. به طور کلی نقش‌های خانه شامل پنج دسته بود: مرد (همسر یا پدر)، زن (همسر یا مادر)، فرزندان، خواججه‌ها و خدمه.

پدرسالاری در خانواده دوره قاجار حاکم بود. احترام به بزرگ‌ترها و فرمان‌برداری از ایشان از لزومات بود: ”پرسش‌هایی که در این روزگار همه به خود اجازه می‌دهند در زمان پدران ما مرسوم نبوده و اختیار آقای خانه نامحدود بوده است“ (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۶۱). تأمین نیازهای اقتصادی خانواده به طور عمده بر عهده مرد بود. برای مردان اعیانی چندهمسری رایج بود، این موضوع در نوشته‌های آن دوره بسیار به چشم می‌خورد چنانکه عین‌السلطنه عروسی معاون‌الملک قوام‌الدوله را با دختر ظهیرالدوله گزارش داده است:

”خیلی مفصل و با دستگاه عروس را آوردند. تماشا داشت. این مرد شصت ساله این قسم عروسی کند و پس از چهار پنج زن و پسر و دخترهای بزرگ و نوه اعلیحضرت دختر دوازده ساله را بگیرد. اسباب تفریح و مضحکه بود“ (۱۳۷۴: ۵۵۷).

زنان در دوره قاجار از کودکی برای ازدواج آماده می‌شدند. به عنوان مثال، هنگامی که تاج‌السلطنه به ۸ سالگی رسیده بود، همه از عروسی او صحبت می‌کردند. درحالی‌که هنوز کودکی بیش نبود و مشغول بازی با عروسک‌هایش بود. ملیجک نیز در حالی خواهر تاج‌السلطنه را انتخاب کرد که خود طفلی بیش نبود (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۲۳). انتخاب همسر مناسب ثروتمند و تحصیل کرده و از خانواده‌ای قدرتمند برای دختران همان قدر باارزش بود که تحصیلات و ثروت برای پسران. زندگی زن به تنهایی پسندیده نبود و نه تنها منعی برای ازدواج مجدد به خصوص برای زنان قاجار اشرافی وجود نداشت بلکه تشویق نیز می‌شدند (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۴۹). گلدوزی، خیاطی، آشپزی و شیرینی‌پزی از هنرهای زنان آن دوره بوده که از مادر به دختر منتقل می‌شد. زنان برای تهیه مایحتاج از خانه خارج نمی‌شدند و همواره تعدادی نوکر و پیشکار برای این منظور داشتند. کلفت‌ها و کنیزها نیز درون خانه، گوش به فرمان زنان بودند و زنان را حتی در انجام وظیفه‌ی مادری یاری می‌کردند؛ تاج‌السلطنه در ضمن نقد رابطه مادر با فرزند در خانواده‌های اشرافی، به این موضوع اشاره می‌کند که ظاهراً رسم بوده است بعد از تولد، فرزند به دایه، دده و ننه سپرده و در سرایی مجزا از مادر نگهداری می‌شد و با اجازه می‌توانست به حضور مادر برود. به این ترتیب الفت بیش‌تری بین کودک و دده بود تا کودک و مادر. حتی برای شیر

دادن به نوزاد، دایه‌ای استخدام می‌شد و فاصله‌ای بین کودک و مادر ایجاد می‌گشت (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۱۰ - ۷)

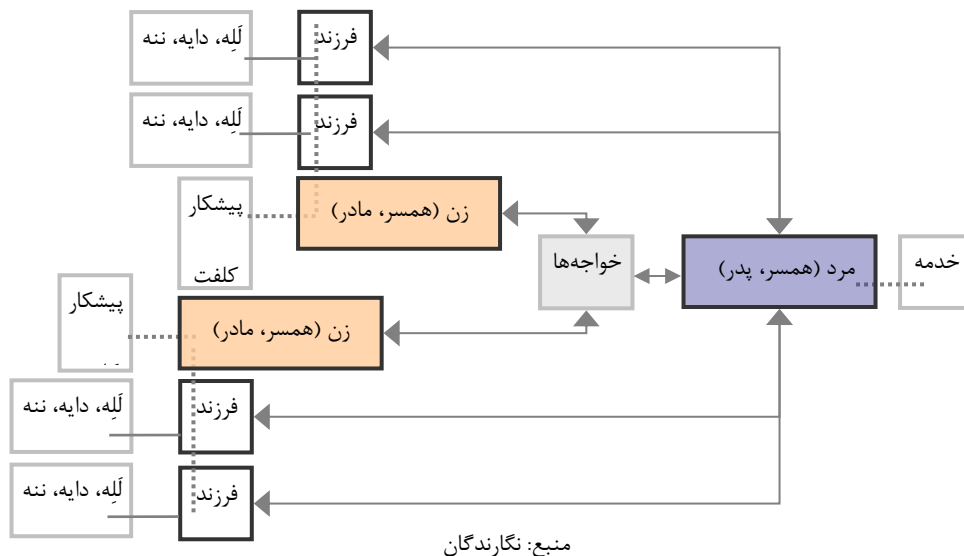
برتری فرزند پسر نسبت به دختر تا حد زیادی وجود داشت (همان: ۲۳ - ۲۲). احترام گذاشتن به خواهر و برادر بزرگ‌تر مرسوم بود. فرمایان (۱۳۸۸) به رابطه خوب میان فرزندان از مادران مختلف در خانه فرمانفرما اشاره کرده است. البته کودکان خانواده سلطنتی علاوه بر خواهران و برادران با چند تن از کودکان طبقه متوسط بزرگ می‌شدند. در سن هفت سالگی مکتب می‌رفتند و برای آنها معلم و لّله و خواجه معین می‌شد (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۲۰؛ ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۱۹ - ۱۷).

جدایی دنیای زنانه و مردانه که خود تحت تاثیر ملاحظات مذهبی آن دوران بود (مهدوی: ۲۱۲: ۳۵۷) باعث می‌شد زنان در فضای بیرونی جامعه حضور کم‌رنگی داشته باشند، بنابراین حضور خواجه‌ها به عنوان واسطه بین این دو دنیا ضروری بود. به عنوان نمونه در خانه شاهزاده فرمانفرما، آحسین خواجه و در خانه‌ی پدری مرضیه خانم نصرت مظفری ثابتی، حاجی بشارت خان نقش رابط فضای اندرونی و بیرونی و زنانه و مردانه را ایفا می‌کردند (فرمایان، ۱۳۸۸؛ مظفری ثابتی، ۱۳۸۹).

با توجه به نیازهای ساکنان خانه، خدمتکاران متعددی برای خانه استخدام می‌شدند. به عنوان نمونه با تولد کودک، لّله و دایه و با رسیدن به سن تحصیل، معلمی استخدام می‌شد که گاهی در خانه سکونت می‌گزیدند. خدمتکاران دیگری نیز به خدمت آقا و خانم‌های خانه درمی‌آمدند. زیادی بندگان و چاکران و اسب‌ها و چهارپایان از جمله تجملات بوده است (عبدالله مستوفی، ۱۳۸۶: ۳۳۶).

تعداد همسران مرد یا زندگی فرزندان پسر پس از ازدواج با خانواده پدری، می‌توانست شکل‌های متفاوتی از خانواده را ایجاد کند، اما بر اساس آنچه از زندگی‌نامه‌ها و شرح‌حال‌ها استخراج شده است، می‌توان به تصویری از ساختار خانواده در دوره قاجار دست یافت (نمودار ۲).

نمودار ۲: ساختار خانواده اعیانی، ارتباط اعضای خانواده، حریم‌های جداگانه، خواجه‌ها در مرز دنیای مردانه و زنانه



ساختار خانه و فرهنگ زندگی خانگی

پرداختن به ساختار خانه بدون در نظر گرفتن رویدادها و فرهنگ زندگی در آن، ممکن نیست، بنابراین در این قسمت، ساختار خانه و فرهنگ زندگی در آن، با هم مورد بررسی قرار گرفته است.

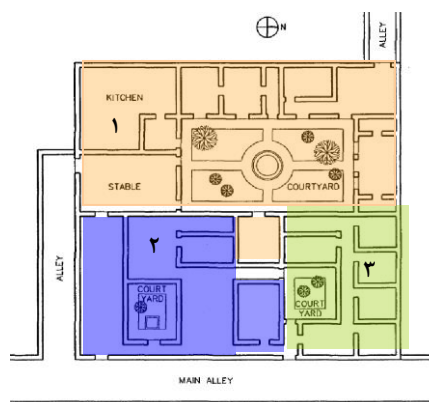
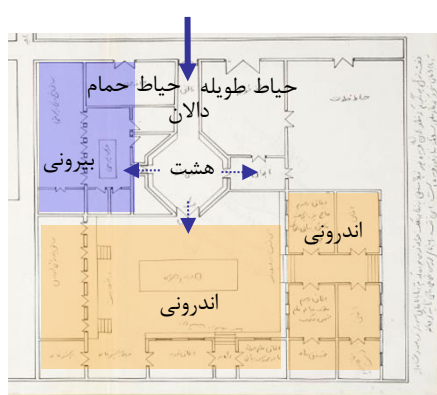
خانه‌های تهران تا سال ۱۲۸۴ ه.ق غالباً درون حصار ناصری قرار داشتند. پس از آن با توسعه شهر، حصار دیگری در اطراف شهر کشیده شد. به دلیل آب و هوای نامناسب تهران در ماه‌های گرم، اغلب خانواده‌ها به بخش‌های ییلاقی اطراف می‌رفتند که خارج از حصار جدید بود، به عنوان نمونه می‌توان به خانه - باغ‌های شمیرانات اشاره کرد. داشتن چند منزل برای اعیان رایج بود. ”صبح خانم با بچه‌ها عازم شمیران گردیدند و بنده طرف عصر تنها سوار شده، تقریباً نیم ساعت از شب وارد منزل تجریش گردیدم“ (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۲۳). خانواده فرمانفرما نیز باغ‌های ییلاقی در تجریش داشتند که چندین اتاق و آشپزخانه داشت ولی در تابستان چادرهایی به اسم پوش می‌زدند که دارای در و پنجره بوده است (فرمایان، ۱۳۸۸).

خانه‌های اعیانی تهران چه درون حصار شهر و چه بیرون آن غالباً از پنج قسمت تشکیل می‌شد: ورودی، سر طویله و کالسکه‌خانه، بیرونی، اندرونی و فضای خدمه. لازم به ذکر است که این فضاها، معمولاً به صورت اتاق‌های یک رو که همگی به هم راه داشتند، همواره توسط یک فضای باز همچون حیاط یا باغ ساماندهی می‌شدند. علاوه بر فضاهای مذکور، خانه می‌توانست فضای مجزایی مانند حسینیه برای برگزاری مراسم مذهبی داشته باشد (تصویر ۱).

ورودی

ورودی شامل جلوخانی بود که از کوچه عقب‌نشینی داشت و پس از آن سردر ورودی قرار می‌گرفت که ارتفاع و اجزای آن نمایش‌دهنده جایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده بود. هر چند تجاری همچون حاج محمدحسن امین‌الضرب تمایلی برای جلب توجه دیگران نداشتند و از ورودی‌های استادکارانه پرهیز می‌نمودند (مهدوی، ۱۹۹۹). از آنجایی که کوچه‌ها چراغ عمومی نداشتند، تنها خانه‌های اعیان مجهز به چراغی بودند که عظمت فانوس آن از حیثیت اجتماعی صاحب آن حکایت می‌کرد (مستوفی، ۱۳۸۶: ۳۳۷). پس از سردر، راهرویی تاریک قرار داشت که به هشتی، محل استقرار قاپوچی (دربان) می‌رسید. هشتی دارای سکوهایی برای افراد واردشده به بنا بود که پس از تشخیص هویت و دریافت اجازه به داخل راه داده می‌شدند (فرمایان، ۱۳۸۸). از هشتی درهایی به اندرونی و بیرونی راه داشته است (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۵۷ - ۲۵۴).

تصویر ۱: رسم الگویی از خانه حاج محمدحسن امین‌الضرب
تصویر ۲: نقشه منزل میرزا یوسف خان
پس از سال ۱۲۴۴ ه.ق.: (۱) اندرونی، (۲) بیرونی، (۳) حسینیه
بیان‌الممالک که نوه‌اش بهمن بیانی کشیده است.



منبع: مهدوی، ۱۹۹۹: ۵۶۱
منبع: www.qajarwomen.org/fa/items/31b077.html

لزوم جدا کردن مسیرها از هشتی به این مسئله باز می‌گشته است که زنان را حتی با چادر چاقچور از نگاه مردان محفوظ دارد تا آنها در رفت‌وآمد خود مجبور به عبور از وسط مردان و مهمان‌ها نشوند. دلیل دیگر انتقال هیزم، ذغال و خواربار از وسط بیرونی بوده است (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

معمولا یکی دو اتاق مجزا بر روی هشتی به نام بالاخانه ساخته می‌شد. خانه بدون هشتی و بدون راهی مجزا از کوچه، مجاز به ساختن بالاخانه نبوده است (شهری، ۱۳۸۳: ۲۴۷). ظاهرا

بالاخانه محل زندگی خودِ صاحب‌خانه نیز می‌توانست باشد، چنانچه عین‌السلطنه با توجه به اشاره‌هایش خاطراتش را در آنجا نوشته است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۴۷). در خانه پدری عبدالله مستوفی، دو بالاخانه، یکی بر روی هشتی و آبرومند و روبه‌روی آن بالاخانه دیگری برای نوکر بوده است (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۵۶). در جایی دیگر به استفاده از بالاخانه، به عنوان مکتب‌خانه، اشاره شده است (همان: ۳۲۳).

سر طویله و کالسکه‌خانه

”همان طور که امروز گاراژ جزء لوازم خانه است، در آن روزها هم طویله‌ای که دارای همه چیز حتی آب‌انبار برای آب دادن به اسب هم باشد از لوازم خانه بود“ (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۵۷). از دری در هشتی (خانه پدری عبدالله مستوفی) و گاهی از دری در دالان پیش از ورودی (خانه نصیرالدوله) و گاهی از دری مجزا از کوچه (خانه میرزا یوسف خان بیان‌الملک) وارد طویله می‌شدند.

اندرونی و بیرونی

اتاق‌های خانه به گونه‌ای ساخته می‌شد که به تمامی نیازها پاسخ دهد.

”هر اتاق شامل بود بر طاقچه‌های متعدد برای چیدن ظروف دم‌دستی و کته‌ها و گنجیه‌هایی برای کتاب و وسائل پنهان داشتن و (رف) برای ظروف و اشیاء کوچک قیمتی و غیرضرور و صندوقخانه‌ای برای جا دادن کرسی و رختخواب و صندوق البسه و ظروف آشپزخانه و اسباب سماور“ (شهری، ۱۳۷۸: ۲۴۶).

امکان توسعه اتاق به این ترتیب توسط پستو و صندوقخانه از یک سو و ایوانی در جلوی آن از سوی دیگر میسر می‌شد و طیفی از فضاهای متنوع زندگی از نیمه‌باز تا بسته مهیا بود که به نیازهای مختلف ساکنان آن پاسخ می‌داد.

اثاثیه اتاق تا میانه حکومت ناصرالدین‌شاه بسیار ساده بود. هر اتاق یک دست فرش و تشک داشته است. به طوری که تشک را هنگام شب روی فرش پهن و صبح جمع می‌کرده‌اند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۵). تجملات در اثاث خانه و طعام کمتر و در البسه و زینت‌هایی که حمل می‌کردند و یا تعداد زنان بیشتر بوده است. چنانکه در این دوران، میز و صندلی و تختخواب و پرده در خانه ایرانی معمول نبوده (مهدوی، ۱۹۹۹: ۶۵۳) چرا که کف برای منظورهای مختلف نشست، خوردن و خوابیدن استفاده می‌شد و کفش‌ها قبل از ورود به اتاق، در کفش‌کن، کنده

می‌شد و جوراب سفید می‌پوشیدند. این موضوع‌ها در نوشته‌های عبدالله مستوفی نیز دیده می‌شود: ”پست‌ترین نوکرها رعایت پاکیزگی پا و جوراب را داشتند“ (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۶۵).

اتاق فرد مسن خانه به نام بی‌بی در خانه حاج محمدحسن امین‌الضرب در سمت رو به غرب قرار داشت و حتی دارای راهرویی به سمت کوچه (جدا از ورودی اصلی خانه) بود. عروس‌ها، پسرها و نوه‌ها برای دیدن بی‌بی به آنجا می‌رفتند اما برای خواب و صرف غذا به بخش‌های خود باز می‌گشتند (مهدوی، ۱۹۹۹: ۶۵۳).

گاهی بخشی از یک اتاق به فضای شخصی اختصاص می‌یافت؛ به عنوان مثال، در تابستان پنجره رو به حیاط، مکان دل‌پذیر آقا و خانم خانه بود. اتاق با مخده‌ها و بالش‌ها پر می‌شد و گوشه برگزیده اتاق می‌توانست دفتر کار و کتابخانه صاحب‌خانه باشد (نجمی، ۱۳۷۵: ۳۲۲).

اندرونی در خانه حاج محمدحسن امین‌الضرب، شامل بخش‌هایی رو به جنوب برای زندگی او و همسرش بود (مهدوی، ۱۹۹۹: ۶۵۲). درحالی‌که در خانه شاهزاده فرمانفرما، در هر اندرونی، یکی از زنان او به همراه فرزندان و خدمه زندگی می‌کرد و محل زندگی مرد خانه، بیرونی بود.

حافظ فرمایان، فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما، سیستم اداره خانه پدرش را با حکومت ملوک‌الطوایفی مقایسه کرده است که اندرون‌ها مستقل بودند؛ آشپزخانه، خدمتکاران و بودجه خودشان را داشتند. مادران در هر اندرون، به خوبی می‌توانستند هزینه‌های اندرون خود را بنویسند و حساب کنند. در عین استقلال، معمولاً اندرون‌ها به هم راه داشتند. اندرون‌ها به نام فرزند بزرگ پسر، خوانده می‌شد. مثلاً در عمارت فرمانفرما (تصویر ۳) اندرون جمشید میرزا متعلق به فاطمه بیگم، اندرون صبار میرزا متعلق به معصومه خانم و اندرون منوچهر میرزا، متعلق به بتول خانم بوده است (فرمایان، ۱۳۸۸).

تصویر ۳: نقشه عمارت عبدالحسین میرزا فرمانفرما، اندرونی‌های متعدد همسران فرمانفرما و اتاق آحسین خواجه



در قسمت بیرونی گاهی اتاقی برای اقامت مهمانان در نظر گرفته می‌شد. چرا که

”در این وقت در تهران غیر از کاروانسرا، جایی که شخص غریب در آن منزل کند وجود نداشته کلیه خانه‌هایی که سر و کاری با ولایات داشتند، مجبور بودند محل نسبتاً آبرومندی در بیرونی خود داشته باشند تا واردین خارج را که گاهی با اسب و نوکر هم می‌آمدند بتوانند پذیرایی کنند“ (مستوفی، ۱۳۸۶: ۲۶۱).

نقش حیاط و باغ سامان دادن به فضاهای بسته و نیمه‌باز اطراف بود همچنین فضای فعالیت‌هایی مانند بازی کودکان، دور هم جمع شدن اعضای خانه و مهمانی‌ها. در شرح پذیرایی نصیرالدوله از حاج سیاح آمده است: ”هنگام غروب اسب و نوکری فرستاده بودند سوار شده وارد منزل ایشان شدم. نوکرهای بسیار مؤدب و تربیت‌شده‌ای داشت دلالت کردند در وسط باغ چند کرسی نهاده بودند“ (سیاح، ۱۳۴۶: ۷۰).

تصویر ۴: مراسم روضه‌خوانی در حیاط خانه قاجاری



منبع: www.qajarwomen.org/fa/items/1257A87.html

”از شاهزادگان و اعیان و رجال هم هر یک که خانه آنها وسعت پذیرایی بساط تعزیه و خود آنها توانایی پرداخت انعامات فاطرچی و ساربان و نقاره‌چی و موزیکالچی‌های [موزیکانچی] دولتی که در تعزیه بود، داشتند، تعزیه می‌خواندند. حتی بعضی همان طور که چادر خاص به اندازه حیاط بزرگ تدارک دیده بودند، حیاط را هم طوری ساخته بودند که در ایام تعزیه‌خوانی بتواند به تکیه تبدیل بشود“ (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۳۸-۴۳۹).

دیگر فضاهای اندرونی و بیرونی

آشپزخانه، آخرین بنای خانه بود که اجاق‌بندی می‌شد چرا که اولین پخت و پز در آن ولیمه خانه بود و بنا با اتمام مطبخ انعام می‌گرفته است (شهری، ۱۳۸۳: ۲۰۱ - ۲۰۰). اجاق مطبخ در شمال و جنوب مکروه و ممنوع بود؛ چرا که در سمت جنوب، آتشکده زرتشتیان را تداعی می‌کرد و در سمت شمال، آشپز جلوی اجاق پشت به قبله بود. جهت شرق پسندیده‌تر بود.

خانواده‌های خویشاوندی که در یک خانه سکونت داشتند، درحالی‌که همگی خانواده گسترده و بزرگی را شکل می‌دادند اما حریم خصوصی تعریف‌شده‌ای نیز داشتند. به منظور حفظ این حریم یک خانه می‌توانست دارای آشپزخانه‌های متعددی باشد. خانه عبدالله مستوفی که در آن خود و همسرش، برادر و همسر برادرش و فرزندان ایشان و مادرش سکنی داشتند دارای دو اندرونی بود؛ در دو حیاط اندرون، آشپزخانه و قفسه‌هایی برای لوازم زندگانی اندرونی تعبیه شدند و آشپزخانه عبدالله مستوفی با مادرش یکی گشت و از آشپزخانه برادر دیگر جدا شد. (مستوفی، ۱۳۷۱: ۴۳۵). آشپزخانه‌ی بیرونی فرمانفرما، کارخانه نام داشت که غذا را برای شاهزاده و مهمانان او در بیرونی مهیا می‌ساخت. آشپز و خدمه‌ی این آشپزخانه، مرد بودند (فرمایان، ۱۳۸۸).

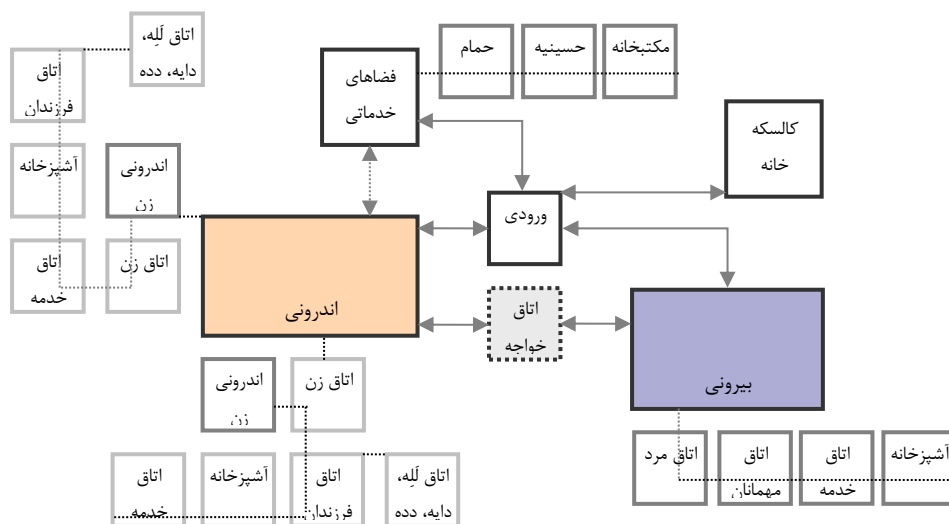
حمام سرخانه برای اعیان از بخش‌های حتمی خانه بود، تمامی بخش‌های حمام عمومی را داشت و در تزیینات از آنها بهتر و کامل‌تر بود. زمان استفاده از آن برای اعضای خانواده مشخص بود. هرچند که در برخی خانه‌ها، حمام جداگانه‌ای برای مردان، زنان و خدمه وجود داشت (شهری، ۱۳۸۳: ۲۰۰). در خانه فرمانفرما حمام، بین چند اندرون مشترک بود و هر اندرون، روز مشخصی از آن استفاده می‌کرد. گاهی نیز تمام کودکان (فرزندان دختر و پسر قبل از ۶ سالگی) به همراه ننه‌هایشان به حمام آورده می‌شدند، گاهی مادرانشان نیز حضور داشتند (فرمایان، ۱۳۸۸). با وجود اینکه برخی حمام‌ها، دوش داشته‌اند ولی به دلیل اعتقادات راجع به پاکی و نجسی، از خزینه استفاده می‌کردند.

مستراح غالباً در پرت افتاده‌ترین نقطه زیرزمین ساخته می‌شد (شهری، ۱۳۷۸: ۲۴۸) و از جهت رعایت حرمت قبله، شرقی - غربی قرار می‌گرفت و دستور نشیمنش پشت به مغرب بود (شهری، ۱۳۸۳: ۲۰۱). در نوشته‌های عبدالله مستوفی (۱۳۸۶: ۲۵۷ و ۲۵۹ و ۲۶۰) به جای واژه‌ی مستراح از واژه ضروری استفاده شده است. جای آن در گوشه بنا، نزدیک به پله‌های بالاخانه، در کنار انبار، اتاق خدمه و یا هیزم‌دان بوده است.

تبیین ساختار خانه بر اساس ساختار خانواده

برخلاف ساختار خانواده که با ارتباط درونی اعضای خانواده و خدمتکارانشان شکل می‌گرفت، در ساختار خانه، تعامل با دیگران و روابط اجتماعی نقش پررنگی ایفا می‌کند به عنوان نمونه تعریف ورودی یا شاه‌نشین آبرومند برای پذیرایی.

نمودار ۳: ساختار خانه بر اساس ساختار خانواده (حریم‌های جداگانه، اندرونی‌های زنان متعدد و خواجه‌ها در مرز دنیای مردانه و زنانه)



منبع: نگارندگان

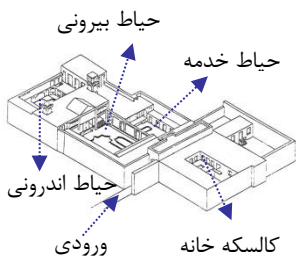
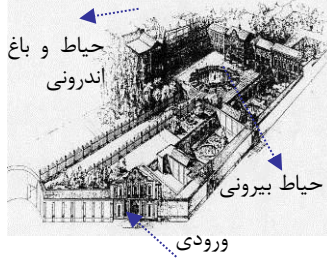
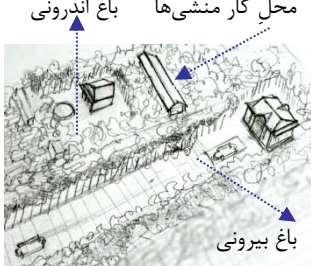
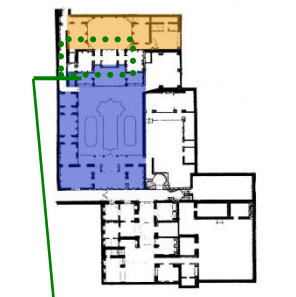
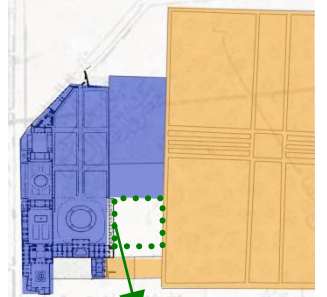
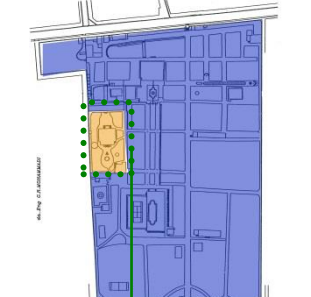

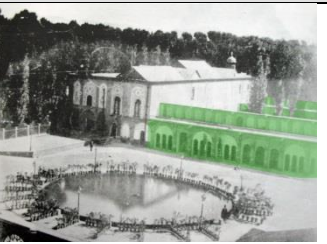
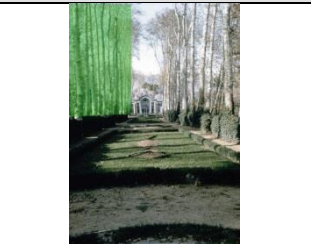
بسته به تعداد همسران مرد، تعداد درونی‌ها افزایش می‌یافت. هر چند فضاها قابلیت استفاده برای منظوره‌های متعددی را داشتند و دائماً در طول عمر بنا تغییر و تبدیل می‌یافتند. در صورت وجود یک همسر، ارتباط فضای مرد خانه با همسرش بدون وجود واسطه خواجه صورت می‌گرفت. ساختار خانه و فرهنگ زندگی در خانه با شناخت زندگی روزمره زنان در هم تنیده است. خانه اساساً برای سکونت زنان بوده است، چنانکه پدر شوهر تاج‌السلطنه به او می‌گوید: “درحالی‌که گردش [او] تفرج برای جوان‌ها عیب نیست و مرد نباید در خانه مانند زنان نشسته” (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۸۴)؛ بنابراین ساختار خانه تحت تاثیر تعریف جایگاه زن در خانواده و چگونگی ارتباط او با دنیای مردانه است. همان‌گونه که پیش‌تر در ساختار خانواده، مرزهای زنانه و مردانه ملاحظه گشت، در ساختار خانه نیز این مرزها وجود داشت و به واسطه اتاق خواجه، درونی و بیرونی با یکدیگر ارتباط می‌یافت. در خانه‌های عبدالله مستوفی و حاج محمدحسن

امین‌الضرب، سخنی راجع به حضور خواجه‌ها نیامده، اما بر وجود اندرونی‌های متعدد برای زنان و بیرونی برای مردان تأکید شده است که نه تنها حریم‌های زنانه و مردانه ایجاد می‌کرده بلکه استقلال هر یک از زنان و مردان، در عین بودن در یک خانه، حفظ می‌شده است.

این موضوع در سه خانه نصیرالدوله، عمارت مسعودیه و خانه - باغ فرمانیه که هر یک در موقعیت مکانی و زمانی متفاوتی ساخته شده‌اند، قابل بررسی است (جدول ۱). با صرف نظر از شکل بناها که تحت تاثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و محیطی متعددی بوده است، ساختار خانه همچنان بر اساس تفکیک فضاهای زنانه و مردانه شکل گرفته است و عناصر متنوعی در تعریف این مرزها نقش داشته‌اند. از آنجایی که خانه ترکیبی کامل و تمام‌شده محسوب نمی‌شد، با توجه به نیازهای جدید و یا تغییر یافته خانه، امکان تغییر، تبدیل و گسترش فضاها وجود داشت. عمارت‌های متعدد مسعودیه با تقدم و تأخر ساخته شده‌اند. بخش غربی مجموعه بیرونی و ساختمان شرقی حیاط دیوانخانه که حد فاصل اندرونی و بیرونی بود، تخریب شده‌اند. اندرونی نیز به کلی از بین رفته است، اما بنا بر پژوهش‌های آیت‌الله‌زاده شیرازی (۱۳۹۰: ۱۶ - ۱۲) باغ نظامیه در شرق مجموعه مسعودیه اندرونی به حساب می‌آمده است.

استفاده از دیوار در عمارت مسعودیه و باغ فرمانیه نقش مهمی در جداسازی حریم‌ها از یکدیگر دارد. این اتفاق در خانه‌های سنتی همچون نصیرالدوله توسط فضاهایی روی می‌دهد که دور تا دور فضای باز کشیده شده است. در عمارت مسعودیه، دیوارهایی دیوانخانه را از بیرونی جدا می‌کنند، به طوری که حیاط‌های بیرونی در عین یافتن هویت مستقل، به یکدیگر دید دارند و به نوعی در تعریف تقارن منظر فضا موثر هستند. بخش اندرونی نیز توسط دیوارهایی مرتفع از بیرونی جدا شده است که با توجه به ارتفاع زیاد بیرونی مسعودیه توجیه‌پذیر است. عمارت اندرونی باغ فرمانیه نیز دارای حیاط‌هایی در شمال و جنوب است. دور حیاط دیواری وجود داشت که مانع از دید مستقیم به حیاط اندرونی می‌شده است. ساختمان یک طبقه در شمال اندرونی، محل کار منشی‌ها بود که ورودی اصلی آن از سمت شمال بود، ولی دری به سمت اندرونی نیز داشت که برای جلوگیری از دید مستقیم به حیاط اندرونی، دیواری هلالی شکل روبه‌رویش قرار می‌گرفت.

جدول ۱: ساختار خانه و تفکیک فضاها

ساماندهی فضاهای مختلف		
<p>خانه‌ی نصیرالدوله</p>  <p>حیاط بیرونی حیاط خدمه حیاط اندرونی ورودی کالسکه خانه</p>	<p>عمارت مسعودیه</p>  <p>حیاط و باغ اندرونی حیاط بیرونی ورودی</p>	<p>خانه - باغ فرمانیه</p>  <p>محل کار منشی‌ها باغ اندرونی باغ بیرونی</p>
منبع: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۲: ۲۴	منبع: آیت‌الله زاده شیرازی، ۱۳۹۰	منبع: نگارندگان
<p>ساماندهی فضاهای زنان و مردانه و مردانه عنصر تفکیک‌کننده فضای زنان و مردانه</p>		
		
جداسازی فضاهای زنان و مردانه		
فضاهای بسته و نیمه‌باز بینابین نقش جداکننده را دارند.	دیوارهای موازی مرتفع نقش جداکننده را ایفا می‌کنند.	دیوارها و درختان باغ، اندرونی را از بیرونی جدا می‌کنند.
		
منبع: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۸۲: ۲۸	منبع: ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶، ۲۱۷	منبع: www.archnet.org/library/images/online-image.jsp?location_id=18443&image_id=211524

منبع: نگارندگان

همان طور که پیش‌تر گفته شد، از نظر راپوپورت (۱۳۸۸)، عوامل فرهنگی شکل‌دهنده فضا عبارت‌اند از: اعتقادات مذهبی، ساختار خانواده، نظام اجتماعی، شیوه معیشت و روابط

اجتماعی میان افراد که در جدول ۲ نقش هر یک در شکل دادن به فضاهای مختلف خانه به اختصار آمده است. در ساختار خانه که از طریق فرهنگ زندگی خانگی توجیه گردید، هر فضای خانه به صورت قالب رویدادهایی بوده است. این رویدادها گاهی تکرارپذیر و مرتبط با زندگی روزمره بوده و گاهی در ایام خاصی صورت می‌گرفته است. چنان‌که کالبد ثابت فضا به طیفی از نیازهای زندگی روزمره پاسخ می‌داده است.

جدول ۲: ساختار و عوامل فرهنگی شکل‌دهنده فضا

ساختار فضا	عوامل فرهنگی شکل‌دهنده فضا		فهرست فضاهای خانه
دارای سلسله‌مراتب فضایی (جلوخان، سردر، دالان، هشتی)	محرمیت، لزوم جدا نمودن فضاهای زنانه، مردانه و خدماتی از یکدیگر	اعتقادات مذهبی	ورودی
وجود فضایی برای استقرار دربان و سکوهایی در اطراف هشتی برای انتظار	کنترل ورود و خروج	روابط اجتماعی	
دارای ورودی مرتفع و تزئینات	شأن اجتماعی	نظام اجتماعی	
فضایی مجزا شده از محل کار مرد در صورتی که مرد دارای چند همسر بوده باشد، اتاق کاملاً مجزای زن و مرد	محرمیت، مرزهای زنانه - مردانه	اعتقادات مذهبی	اندرونی (اتاق‌ها، حیاط/باغ، فضاهای خدماتی)
فضایی کامل با آشپزخانه، مهمان‌خانه و ... جداگانه برای زندگی هر زن	فردیت، جدا بودن زن از زنان دیگر (همسران یا مادر مرد)	ساختار خانواده	
اتاق جداگانه مادر از فرزندان	نقش زن، زاینده اما تربیت و رسیدگی به فرزندان بر عهده دایه و ننه و لاله		
تعیین محل قرارگیری و اندازه‌ی اندرونی مجزا	میزان محبوبیت زن	روابط اجتماعی	
در نظر گرفتن بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین فضا یا همان تالار اصلی اندرونی	پذیرایی از مهمان‌ها	اعتقادات مذهبی	
فضایی مجزا شده از فضای زندگی زنان و فرزندان	محرمیت		
فضایی دارای دسترسی به اندرونی - های متعدد	نقش مرد، مطلق‌العنان در خانواده، گاه دارای چند همسر	ساختار خانواده	

قرار گرفتن بخشی از فضای کار در خانه	تأمین‌کننده نیاز اقتصادی خانواده	روابط اجتماعی		
دارای مهمان‌خانه و تالار آبرومند	پذیرایی از مهمانان مرد			
محل قرارگیری فضای خواجه‌ها در مرز اندرونی و بیرونی	حریم‌های زنانه - مردانه	اعتقادات مذهبی	فضای خدمه و خواجه‌ها	
محل قرارگیری فضای خدمه نزدیک به اندرونی یا بیرونی	در خدمت زنان یا مردان خانه	ساختار خانواده		
گاهی اختصاص بخشی از حیاط و یا فضاهای اندرونی و بیرونی	برگزاری مجالس مذهبی	اعتقادات مذهبی	حسینیه	فضاهای خدماتی وابسته به اندرونی و بیرونی
بخشی مجزا در کنار خانه با دسترسی مجزا	امکان در خدمت گرفتن فضا توسط افرادی دیگر	روابط اجتماعی		
محل قرارگیری اجاق در شرق	ملاحظه جهات مقدس زرتشتی‌ها و مسلمانان	اعتقادات مذهبی	آشپزخانه	
داشتن خزینه حتی با وجود دوش در حمام	ملاحظه پاکی و نجسی	اعتقادات مذهبی	حمام	
دارای تزئینات بسیار زیبا	گاهی پذیرایی از مهمانان نمایش شأن اجتماعی	روابط اجتماعی		
دارای جهت شرقی - غربی در پرت افتاده‌ترین بخش خانه	احترام به جهت قبله ملاحظه پاکی و نجسی	اعتقادات مذهبی	ضروری	

منبع: نگارندگان

اساساً فضاها با نام‌های مشخص‌کننده موقعیت و یا شکلشان و به ندرت بر اساس کارکرد نام‌گذاری می‌شدند؛ چنانکه نام فضاها، شاه‌نشین، سه دری، پنج دری، بالاخانه و ... بوده است. انعطاف‌پذیری فضاها به اسباب و اثاثیه مختص فضا نیز تسری می‌یافته است. انعطاف‌پذیری خانه امکان مطابقت آن با شکل جدید خانواده را ممکن می‌ساخت؛ به گونه‌ای که حریم خصوصی جدیدی را برای خانواده کوچک نوپا شکل می‌داد و درعین حال ارتباط آنها را با خانواده گسترده پیشین حفظ می‌نمود. به عنوان نمونه می‌توان به تبدیل اندرونی و بیرونی به یکدیگر در خانه‌ی عبدالله مستوفی اشاره کرد: ”منزل اختصاصی عروس و داماد بیرونی تازه ساز تعیین شده بود که باید من و مادرم در این حیاط منزل کنیم و اندرون وسط بیرونی شود“ (مستوفی، ۱۳۷۱: ۴۳۵). پیش‌بینی‌های لازم برای ساختن بیرونی آبرومند نیز اندیشیده شده بود

”البته حیاط وسط برای بیرونی خیلی آبرومند نبود ولی چون خیال داشتیم در آتیه حیاط کوچک جنب هشتی مدخل و طویله‌ی قرینه آن و این حیاط وسطی را

به هم کوبیده و زمینی به طول چهل پنجاه و عرض بیست متر ایجاد کرده و در سمت شمال آن چهار اتاق و چهار زیرزمین بسازیم و باقی را حیاط و باغچه کنیم و این ساختمان را به بیرونی تخصیص دهیم، اگر بیرونی موقتاً هم چندان آبرومند نبود، چیز مهمی به شمار نمی‌آمد. این فکر خوبی بود زیرا اصل دوری و دوستی را بین جاری‌ها محفوظ داشته و بیرونی دو برادر که در همه چیز زندگی با هم شریک بودند، بین دو اندرون اتفاق افتاده ...” (همان).

اندرونی و بیرونی مکان‌های همواره ثابتی نبودند و در طول عمر ساختمان با تغییر ساختار خانواده، شکل و جای آنها عوض می‌کردند. خانه عبدالله مستوفی پیش‌تر نیز به سبب عروسی برادرش تغییر شکل داده بود. به طوری که بیرونی قدیم برای سکونت عروس و داماد تعمیر شد. شام و نهار از آشپزخانه‌ی عمومی خانه برای عروس، داماد و خدمتکارهایشان برده می‌شد. با تغییر ساختار خانواده، کالبد و کارکرد فضاهای خانه به گونه‌ای شکل عوض کرد تا تغییر چندانی در زندگی سایر ساکنین خانه و نظام مدیریتی آن پدید نیاید: ”بنابراین در وضع زندگی تغییر زیادی حاصل نشده بود و مادرم کماکان کارهای عمومی خانه را اداره می‌کرد و خانواده‌ی جدیدالتأسیس از روز اول گرفتار زحمت و دردسر زندگی نبود“ (همان: ۳۲۲-۳۲۱).

حاج محمد حسن امین‌الضرب، بعد از توسعه و پیشرفت اوضاع کاری، همسر جدیدی به نام صغری خانم گرفت و به این منظور خانه‌اش را بزرگ‌تر کرد. به این ترتیب که قسمت اندرونی قدیم را خراب کرد و چند خانه اطراف خانه‌اش را خرید. اندرونی سه طبقه‌ای با یک حیاط و حمام با باقی الحاقات ساخت. در پشت حیاط تالار، خانه کوچکی خرید که صغری خانم در آن مستقر شد. در اینجا نیز جدایی بین دو اندرونی توسط بیرونی، یا همان قضیه‌ی دوری و دوستی دیده می‌شود. یکی از خانه‌های خریداری شده به حسینه تبدیل شد. پس از توسعه خانه، بیرونی توسط آشپزخانه اختصاصی، زیر نظر آشپز مرد و اندرونی توسط آشپزخانه‌ای زیر نظر آشپز زن، خدمات داده می‌شد (مهدوی، ۱۹۹۹: ۵۶۶). پس از تولد پسرش، دایه‌ای به اعضای خانه اضافه شد که او نیز در خانه اقامت می‌کرد چرا که نگهداری از فرزند توسط مادران خانواده‌های ثروتمند، مرسوم نبود. زمانی که پسرش بزرگ‌تر شد، امین‌الضرب یکی از خانه‌ها را به مکتب تبدیل کرد. معلم سر خانه‌ای نیز بعداً به آموزش فرزند او گماشته شد که او نیز جزئی از اعضای خانه گشت.

در عمارت فرمانفرما نیز اندرون خداداد میرزا، در واقع بخشی از اندرون یکی از دو همسر قبلی او بوده است که پس از ازدواج با این زن، بخشی از اندرونی سابق را به او تخصیص دادند (فرمایان، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

عوامل متعددی به کالبد خانه شکل می‌دهند که از میان آن‌ها می‌توان به فرهنگ زندگی و ساختار خانواده اشاره نمود. فرهنگ زندگی، خود تحت تاثیر عوامل متعددی است؛ برخی از این عوامل عبارت‌اند از: ساختار خانواده و تعریف نقش اعضای آن، تعریف جایگاه و چگونگی ارتباط زن و مرد و نیازهای اعضای خانواده. شواهد تاریخی برگرفته از متون نشان می‌دهد که فرهنگ زندگی اعیان در کالبد خانه تجلی می‌یافته است: گاه در شکل خانه و گاه در لوازم و مبلمان و شیوه آرایش بنا.

ساختار خانواده از عوامل مهم تاثیرگذار بر شکل خانه است. چنانکه وجود حیاط‌های مرکزی متعدد و در کنار هم به گونه‌ای که در عین استقلال، به یکدیگر راه داشته باشند، حضور چند زن (همسر، مادر و ...) را در خانه‌ی مرد ایرانی دوره قاجار ممکن می‌کرده است. نظام خاصی از روابط انسانی و فضاهای معماری در خانه ایرانی وجود داشته است؛ خانه عبدالله مستوفی، منزل دو برادر به همراه مادر، همسر و فرزندانشان بوده است. در خانه فرمانفرما، در اندرونی‌های متعدد، همسران و فرزندان او زندگی می‌کردند. اعضای خانواده در عین زندگی در یک خانه، حریم خصوصی حفاظت‌شده‌ای را تجربه می‌کردند. موقعیت هر عضو خانواده، نقش مهمی در تعیین جایگاه او داشته است چنانکه جا و مقام زن، باعث اختصاص اندرونی‌هایی با ویژگی‌های متمایز به او می‌شده است. اندرونی زنان مسن‌تر از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. شکل ارتباط اعضای خانه با یکدیگر و با دیگران، باعث ایجاد فضاهای مجزا و مشترک می‌شد. معمولاً اتاق مادر و کودک از یکدیگر جدا بود، چرا که در خانه‌های اعیانی، کودک توسط افرادی همچون لاله، دایه و ننه بزرگ می‌شد.

توسعه خانواده منجر به تغییر شکل خانه با جابه‌جایی کارکرد فضاها (درونی و بیرونی) و یا ایجاد فضاهای مورد نیاز (همچون آشپزخانه مجزا) می‌شد. این تغییرات با ملاحظه آسایش افراد و همچنین حفظ جایگاه افراد و روابط بین اعضای خانه و محرمیت صورت می‌گرفته است. محرمیت در خانه‌های اعیانی سنتی قاجار، فضاهای زنانه و مردانه‌ی مجزایی را تعریف می‌کرد. این محرمیت در نحوه ارتباط قلمرو خارج خانه به داخل آن و در طراحی ورودی‌ها دیده می‌شد. جایگیری فضاهای اندرونی و بیرونی نیز تحت تاثیر چنین تدبیراتی بوده است. البته می‌بایست توجه کرد که تعریف محرمیت و مرزهای زنانه - مردانه، خود متأثر از اعتقادات مذهبی بوده است. نمود دیگر اعتقادات مذهبی را می‌توان در ساختار مطبخ و جای اجاق ملاحظه کرد. همچنین برگزاری مراسم مذهبی که آداب منحصر به خود را داشته است و نیاز به فضای مناسبی برای این منظور را ایجاد می‌کرده است.

چگونگی روابط اجتماعی و ملاقات بر شکل خانه تاثیر می‌گذاشت. این روابط برای ملاقات مرد با مردان دیگر در بیرونی روی می‌داد. زنان خانه می‌بایست با حجاب کامل در آن حضور

می‌یافتند. اگر در اندرونی، معماری نقش حجاب را ایفا می‌کرد، در بیرونی، پوشش و خواجه‌ها این وظیفه را بر عهده داشتند. خواجه‌ها واسطه ارتباط زنان با دنیای مردانه بودند. در مهمانی‌ها و مراسم بخش‌های مختلف بنا به کار گرفته می‌شد. درجه آشنایی با ملاقات‌شونده، بر مکان برگزاری ملاقات تاثیرگذار بود. مبلمان و تزئینات این فضاها نیز وابسته به همین موضوع است. چنانچه داشتن بیرونی آبرومند برای عبدالله مستوفی بسیار ضروری بوده است.

پاسخگویی به دیگر نیازهای اساسی زیست‌کنندگان خانه، تعریف کارکرد فضاها است؛ اما این کارکرد در خانه‌های سنت قاجار می‌توانست در فضاهای مختلفی روی دهد، چنانچه نام برخی از فضاها فارغ از کارکرد آنها بود مانند بالاخانه، زیرزمین، اندرونی، بیرونی و ... که بر اساس موقعیت فضاها نام‌گذاری شده‌اند. گاهی نیز نام فضاهای خدماتی با کارکرد آنها مرتبط بود: قهوه‌خانه، آبدارخانه، هیزم‌خانه و ... به این ترتیب، ابعاد اتاق‌ها توسط مبلمان مشخص کارکردها تعیین نمی‌شد. با تعریف نیازهای جدید یا تغییر ساختار خانواده، گاه کارکرد بخش‌های مختلف تغییر می‌کرد و گاه فضاهای هم‌جوار به یکدیگر یا به بیرون از کالبد بنا توسعه می‌یافتند. به طور مثال پس از تولد فرزندی تازه، دایه‌ای به خانه اضافه می‌شد و اتاقی برای زندگی او می‌بایست در نظر می‌گرفتند. یا با ازدواج مجدد مرد خانه، درونی تازه‌ای شکل می‌گرفت که یا با خرید زمین از همسایگان خانه یا با در هم کوبیدن فضاهای خانه و تغییر شکل آنها بنا می‌شد.

منابع

- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۸). *زنانی که زیر مقنعه کلاه‌داری کردند*، تهران، نشر تاریخ ایران.
- اتحادیه، منصوره و سعدوندیان، سیروس (۱۳۶۲). *سیاق معیشت در عصر قاجار*، تهران، نشر تاریخ ایران.
- اولیویه (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه (تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین سلطنت قاجار)*، ترجمه محمد طاهر میرزا، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۹۰). *عمارت مسعودیه*، زیر نظر اسکندر مختاری، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- آیت‌اللهی، حبیب (۱۳۸۰). *کتاب ایران: تاریخ هنر*، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
- برومبرژه، کریستیان (۱۳۷۰). *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان*، ترجمه‌ی علاء‌الدین گوشه‌گیر، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- تاج‌السلطنه (۱۳۷۱). *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه، چاپ سوم، تهران، نشر تاریخ ایران.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت*، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- درودگر، قاسم (۱۳۸۲). «بررسی ارزش‌های هنری معماری دوران قاجار»، *معماری و شهرسازی*، شماره ۷۱-۷۰.
- ذکاء، یحیی و سمسار، محمد حسن (۱۳۷۶). *تهران در تصویر*، جلد دوم، تهران، سروش.
- راپوپورت، آموس (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن*، ترجمه خسرو افضلیان، تهران، حرفه هنرمند.
- سیاح، حاج محمدعلی (۱۳۴۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شهری، جعفر (۱۳۸۳). *طهران قدیم*، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، معین.
- (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب‌وکار، جلد اول*، چاپ سوم، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ظل‌السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۲). *تاریخ سرگذشت مسعودی همراه با سفرنامه فرنگستان*، تحریر اسماعیل میرزا معتمدالدوله، تهران، انتشارات بابک.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، جلد اول، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۰). «شمس‌العماره نمادی از تجدد و تبادل»، *معماری و فرهنگ*، سال سوم، شماره ۱۱.
- گزارش ثبتی خانه نصیرالدوله (۱۳۸۲). تهران، اداره کل میراث فرهنگی استان.
- گودرزی، مرتضی (۱۳۸۸). *آیین‌ها خیال: تجزیه و تحلیل و بررسی نقوش و تزئینات در هنر دوره‌ی قاجار تهران*، تهران، انتشارات سوره مهر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، جلد اول، تهران، نشر کتاب هرمس.
- (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات زوار.
- معیرالممالک، دوست‌علیخان (۱۳۶۱). *وقایع الزمان (خاطرات شکاریه)*، به کوشش خدیجه نظام‌مافی، تهران، نشر تاریخ ایران.
- میرمیران، هادی (۱۳۷۹). «مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)» نگاهی به معماری دوره قاجار: شکوفایی ساخت و پرداخت»، *نشریه معمار*، شماره ۸، ۵۷ - ۵۴.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۵). *تهران در یکصد سال پیش*، چاپ دوم، تهران، انتشارات ارغوان.

هال، ادوارد توئیچل (۱۳۸۴). بعد پنهان، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
نصرت مظفری ثابتی، مرضیه (۱۳۸۹). فایل صوتی مصاحبه با مرضیه نصرت مظفری ثابتی، به نقل از سایت الکترونیکی دنیای زنان عصر قاجار: <http://www.qajarwomen.org/en/items/1028A27.html>
فرمایان، حافظ (۱۳۸۸). فایل صوتی مصاحبه با حافظ فرمایان، به نقل از سایت الکترونیکی دنیای زنان عصر قاجار: <http://www.qajarwomen.org/fa/items/1015A8.html>

Mahdavi, Shireen (1999). "The Structure and Function of the Household of a Qajar Merchant", In *Iranian Studies*, 32(4): 557-571.
Mahdavi, Shireen (2012). "Everyday Life in Late Qajar Iran", In *Iranian Studies*, 45(3): 355-370
Sykes, Ella C. (1898). *Through Persia on a Side-Saddle*, London: A. D. Innes & Company, Ltd

